|  |
| --- |
| **آيا صهيونيست‌ها در قدس شريف حقي دارند؟**اسلام تایمز : عربيت قدس قدمتي شش هزار ساله دارد و اولين بار اين شهر توسط عرب‌هاي يبوسي كه از جمله اولين عربهايي بودند كه از جزيره عرب هجرت كردند بنا گرديد و اولين نام قدس نيز "يبوسي" بود.روزنامه جمهوری اسلامی |



همزمان با شدت بخشيدن به روند يهودي - صهيونيستي سازي قدس شريف و پايان دادن به حضور عربها در اين شهر، دولت صهيونيستي اعلام مي‌كند كه قدس نه فقط پايتخت ابدي براي كشور يهود كه پايتخت همه يهوديان جهان است.

براي مقابله با چنين ادعا‌هايي كه درغرب طرفداراني نيز دارد بايد از تاريخ كمك گرفت و ديگران را مجاب كرد كه به جاي اتكا به اساطير و اكاذيب به حقايق مؤكد تاريخي زير رجوع كنند:

- عروبيت قدس قدمتي شش هزار ساله دارد و اولين بار اين شهر توسط عرب‌هاي يبوسي كه از جمله اولين عربهايي بودند كه از جزيره عرب هجرت كردند بنا گرديد و اولين نام قدس نيز "يبوسي" بود.

- اگر سرزمين كنعان - سرزمين فلسطيني‌ها - كنعاني‌ها خود عرب هستند - همان سرزميني باشد كه حضرت ابراهيم خليل ابوالانبياء در قرن 19 قبل از ميلاد در آن حضور داشته و در همان سرزمين‌دار فاني را وداع گفته است بايد گفت كه عروبيت قدس به 21 قرن پيش مي‌رسد.

- اگر پيرامون 3 دين آسماني يهود، مسيحي و اسلام به قداست قدس ايمان داشته باشند بايد قبول كنند كه خداوند متعال اين شهر را متبرك كرده و تبرك الهي با دوره حضور و رحلت ابوالانبياء به سرزمين كنعان آغاز نمي‌شود و بسيار پيش‌تر از آن بوده است و شايد خداوند سبحان كه مشيتش برآن بوده كه ابراهيم و لوط را به اين سرزمين فرا خواند و آنها را نجات دهد و بر طبق آيه شريفه (او و لوط را به سرزميني كه آن را براي جهانيان متبرك ساختيم روانه ساختيم)، سوره انبياء آيه 71 بايد گفت كه اين سرزمين مبارك پيش از روي آوري حضرت ابراهيم و لوط وجود داشته است و مباركي آن ويژه يك گروه و برتري يافتن گروهي بر گروه ديگر نخواهد بود زيرا اين شهر جايگاه همه دينداران و همه كساني است كه به نبوت پيامبران پس از حضرت ابراهيم ايمان دارند مي‌باشد.

- بي‌شك يهوديت با پيامبري حضرت موسي آغاز شد و حضرت موسي خود در سرزمين مصر متولد شد و پرورش يافت و آموزش ديد و به زبان و خط هيروگليف آشنا شد و تورات با زبان هيروگليفي بر او نازل شد بنابر اين زبان قوم موسي زباني بود كه مردم مصر با آن سخن مي‌گفتند و خداوند متعال در سوره ابراهيم آيه 4 چنين مي‌فرمايند:"ما هر پيامبري را با زبان همان قوم فرو مي‌فرستيم تا اينكه براي آنها روشنگري كند."

بنابراين مي‌توان گفت زبان عبري وجود نداشت و زبان عبري در اصل لهجه‌اي از لهجه‌هاي كنعاني بوده و پس از تصرف شهر توسط يشوع بن نون (1250-1200 پيش از ميلاد) و به استعمار كشيدن و نسل كشي وحشتناكي به راه افتاد زبان عبري تكامل يافت و اين امر در اسفار عهد قديم وجود دارد.

- اگر در اسفار عهد قديم به اين نكته اعتراف شده كه حضرت موسي در سيناي مصر دفن شده اين بدان معنا است كه اين پيامبر بزرگوار هرگز قدس را به چشم نديده است و به سرزمين فلسطين پاي ننهاده و تورات و شريعتش نه به قدس و نه به فلسطين هيچگونه ارتباطي ندارد.

بنابراين با توجه به اين حقايق تاريخي، پرسش زير برجسته مي‌شود:

صهيونيست‌ها برچه اساسي ادعا مي‌كنند كه قدس شهري يهودي است و پايتخت ابدي صهيونيست‌ها است؟!.

مهمترين دليلي كه صهيونيست‌ها به آن استناد مي‌كنند كه قدس فقط از آن آنان است و كسي در آن هيچ حقي ندارند، گفتاري است كه در "سفر تكوين" در عهد قديم آمده است و درآنجا وعده خداوند به ابراهيم (ع) در مورد مالكيت سرزمين مقدس براي او و ذريه‌اش مطرح شده است.

براي روشن شدن منطقي اين وعده و تميز حق از باطل و مشخص شدن هدايت و گمراهي اين موضوع بايد مورد بررسي دقيق قرار گيرد و راه منطقي براي كشف حقيقت، اين كار اين متن و يا وعده نيست بلكه مشخص كردن تناقضات موجود در آن است، تناقضاتي كه نهايت آن فروپاشي اخلاقي است !

- متن اول از متن‌هاي چهارگانه: خداوند پس از رفتن لوط به ابرام چنين مي‌گويد: چشم باز كن و جايي كه تو در آن هستي از شمال و جنوب و غرب را به خوبي نظر كن، زيرا همه سرزميني را كه تو مي‌بيني به تو و نسلت تا ابد تعلق خواهد داشت. (تكوين 15، 14، 13).

وعده در اين متن مربوط به زميني مي‌شود كه چشم ابراهيم (ع) آن را مشخص خواهد كرد.

- متن دوم: ابرام از مكاني به بلوطه موره آمد و در آن وقت كنعانيان در آنجا بوده‌اند و خداوند بر ابرام ظاهر شده و گفت: به نسل تو اين سرزمين داده شد و ابراهيم براي خدايي كه بر او ظاهر شده بود مذبحي ايجاد كرد. (تكوين 6و7: 12).

وعده داده شده در اين متن اين است كه ابراهيم (ع) در سرزمين بلوطه موره مذبحي بنا كرد و نه چيز ديگر !
- متن سوم: رب با ابرام سخن گفت: از اين پس نام تو ابرام نيست بلكه ابراهيم است و به تو نسل پس از تو سرزمين كنعان ملك ابدي شما خواهد بود (تكوين 3 و 5 و 8:17)

- متن چهارم: در آن روز رب با ابراهيم ميثاق زير را بست: به نسل تو از مصر تا نهر كبير فرات داده شد. (تكوين 15:18)

متن‌هاي چهارگانه كه مهم‌ترين دلايل صهيونيست‌ها براي استيلا بر قدس و فلسطين محسوب مي‌شوند متن‌هاي پر تناقض جهت مشخص كردن سرزمين موعود است يكبار درحدود ديد ابراهيم است و بار ديگر همه سرزمين كنعان است و در جايي ديگر بلوطه موره است و در نهايت ميان نيل تا فرات.

آيا اين افسانه پردازي‌هاي پر از تناقض واقعاً مي‌توانند با حقايق متقن تاريخي كه مي‌گويند قدس عربي قدمتي شش هزار ساله دارد و عروبيت و قداستش پيش از ظهور ابراهيم كه در سرزمين كنعان غريب زيست و حتي براي همسرش ساره جايي نمي‌يابد كه او را دفن كند (عهد قديم) و ده‌ها قرن پيش از ظهور حضرت موسي و يهوديت، برابري كند؟!

حقايق فوق مي‌توانند افسانه‌ها و دروغ‌ها را باطل سازند و حقيقت درخشنده را آشكار سازد.